

سخن سردبیر

آغاز هر نشریه علمی- پژوهشی، به سان طلوعی نوین در عرصه آگاهی و دانش است، به ویژه در زمینه علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری که جایگاه چالش های بزرگ و تعیین کننده می باشد. اینک که به لطف الهی اولین شماره مجله "تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت" انتشار می یابد، یادآوری چند نکته خالی از لطف نیست.

نکته اول: علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با سایر علوم، از موقعیتی بی بدیل برخوردار است، زیرا این دسته از علوم، در عرصه تنظیم مناسبات انسانی، تعادل و تعالی جامعه، پیشرفت و رفاه اقتصادی، تبادلات بین المللی و نظایر آنها، ایفاگر نقشی بی نظیر هستند.

نکته دوم، ضرورت بومی سازی علوم انسانی و اجتماعی در عصر حاضر است. این نوع از دانشها و معارف بشری از یک سوی، ریشه در عمق فرهنگ دارد و از دیگر سوی، به تعریف انسان در آن فرهنگ مربوط می شود. لذا یافته های علوم مذکور زمانی کارآمد و سازنده خواهد بود که با مبانی فکری و فرهنگی جامعه ما سازوار باشد، جامعه ای که وجه تمایز اصلی آن از سایر جوامع، هویت ایرانی- اسلامی است.

نکته سوم، توجه به منشأ مهم تفاوت های تعلیم و تربیت اسلامی، با سایر مکاتب تربیتی است. تعاریف متفاوتی که از مبانی انسان شناختی ارائه می شود، به تجویز اصول و روشهای متفاوتی در تعلیم و تربیت منجر می گردد و این پرسش که چگونه و چرا، تعریف انسان و تبیین مبانی انسان شناختی از هر مکتب فلسفی با مکاتب دیگر در یک پیوستار طولانی، از یکدیگر فاصله می گیرند، عمدتاً به یک مطلب برمی گردد، و آن، تأمل در جایگاه خداشناسی و تأثیر آن در جهان شناسی و انسان شناسی^۱ است.

در بینش توحیدی اسلام، به لحاظ این واقعیت که انسان، علم و معرفت او و جهانی که در آن زندگی می کند جلوه ای از علم بیکران خدایتعالی است و حق تعالی بر همه جهان هستی شاهد و ناظر بوده و محیط بر آن می باشد، از این روی، چنانچه آدمی اراده کند تا به جهان هستی و دنیای درون خویش آگاهی یابد، اولین چیزی که می شناسد، وجود حق تعالی است لذا اگر انسان، خدا را به درستی نشناسد، نه جهان را و نه ذات خود را به درستی نخواهد شناخت، لذا خداشناسی، در حقیقت پشتوانه جهان شناسی و انسان شناسی است.

بر این اساس، ضرورت توجه به منشأ تباین و توافق مکاتب فلسفی با یکدیگر و تأثیر آن بر کارکردهای تعلیم و تربیت، بیش از پیش احساس می شود لذا ضروری است بر مبنای این نوع معرفت خداشناسی آن دسته از دلالت هایی را در تعلیم و تربیت برگزید که متناسب و متنظر با مبانی فلسفی و فرهنگی جامعه ما می باشد.

با عنایت به اهداف مجله، درج مقالات مرتبط با مبانی فلسفی مکاتب مختلف و نقد و بررسی آنها و تبیین مبانی فلسفی اندیشمندان مسلمان و اشارات تربیتی آنها، موقعیتی می آفریند تا امکان مقایسه میان دیدگاه ها و منظرهای فلسفی در حیطه تعلیم و تربیت، به طور دقیق به عمل آید و ظرفیت های مکنون و کمتر شناخته شده تعلیم و تربیت اسلامی در معرض نگاه پژوهشگران قرار گیرد.

۱. تفسیر موضوعی قرآن، آیت الله جوادی آملی، جلد چهارم، قم: مرکز نشر اسراء

واژه های "تاریخ" و "فلسفه" در عنوان مجله، گویای اهمیت توجه به هر دو حوزه "تاریخی" و "فلسفی" تعلیم و تربیت می باشد. با این حال، تردیدی نیست که پرداختن به تحلیل های تاریخی تعلیم و تربیت، حداقل به اندازه تبیین های فلسفی، ضرورت احساس می شود، زیرا نگاهی اجمالی به کارها و آثار موجود، بیانگر نوعی برتری و غلبه پژوهش های فلسفی بر مطالعات تاریخی است و جا دارد که در بُعد تحلیل های تاریخی نیز تلاش جدی به عمل آید و اندیشمندان و صاحب نظران این بخش را که تا حدودی مغفول واقع شده است، محل توجه بیشتری قرار دهند، بنابراین فرصت مناسبی است تا تمامی اندیشمندان، نویسندگان صاحب نظر و همکاران محترم در عرصه فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت برای انعکاس اندیشه هایشان و ارسال مقالات مورد نظر با این مجله همکاری فرمایند.

اینک و همزمان با انتشار اولین شماره این مجله، جا دارد از زحمات تمامی دست اندرکاران، از جمله جناب آقای دکتر بهرامی، مدیر مسئول محترم، اعضای محترم هیئت تحریریه، اعضای محترم گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده، جناب آقای دکتر جلیلود، و به ویژه همکار محترم سرکار خانم دکتر عالی که علاوه بر بُعد کیفی مجله، در بُعد اجرایی آن زحمات ارزشمندی را تقبل نمودند، و همه عزیزانی که با ارسال مقاله، ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگزاری نموده و برای همه این بزرگواران، از درگاه خدای متعال توفیق روزافزون مسئلت نمایم.

محمدرضا شرفی